

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سید موسی عثمان هستی

15.05.09



تصویری را که تماشا می کنید انجینر عظیم بزدل وبی وجدان است که به گفته حمید عبیدی مدیترسایت آسمانی در آلمان زندگی می کند البته با چنین غیرت و با چنین حظه !

آگهی مدیرمسئول جریده طنزی بینام

دیروز یک نوشته بی مایه وبی ادبانه بقلم یک مستعارنویس بی هویت وبی شخصیت که وجدان و شرافت در خانواده اش به ذره بین دیده شده نمی تواند بنام "**انجینر عظیم بزدل**" عنوانی من درسایت آسمایی منتشر شده بود . چون من بار بار به تکرار مکررات گفته ام که اگر آن نوشته بنام اصلی بخودم فرستاده میشد ، فی الفور آن را در ماهنامه طنزی و انتقادی بینام بدون کم و کاست به نشر می سپردم . اما چون آن شبنامه موقتی با هزار ترس و لرز بشکل خپکی وزیر جلکی به آسمایی رسیده ، آقای حمید عبیدی آن را ساعت هشت صبح بوقت آلمان درسایت خود نشر نمود و حوالی ساعت سه بجای بعد از ظهر بوقت آلمان آن را با نوشته اینجانب یکجا از سایت آسمانی حذف کرد . اینکه در جریان این هفت ساعت چقدر از خوانندگان محترم آن را خوانده باشند و به مستعارنویس شرفباخته وبی وجدان لعنت فرستاده باشند یک موضوع بحث جداگانه می باشد .

من به کرات و مرآت هم به سایت های وزین و زیبایی اینترنتی وهم به سایتهای مکاره و نفاق افکن اینترنتی گفته ام که هرکس شخصیت و شهامت داشته باشد ، بی ترس و بی هراس با نام اصلی خود در مورد من نوشته کند و باید جرأت اخلاقی داشته باشد ، در آن صورت بشکل محترمانه به نوشته اش برخورد عقلانی می کنم به این معنی که اگر سخنش درست باشد ، صادقانه و شرافتمندانه در عکس العمل خود از آن استقبال نموده می گویم که "الحق ! سخن شما درست بود و من از آن آموختم " و اگر جریان صحبت و نوشته اش حقانیت نداشته باشد با ارائه استدلال و منطق در جوابش می گویم که با کدام قسمت هائی از نوشته ات توافق ندارم و دلایل آن را هم یک یک می آورم تا یک فضای گفت و گو و بحث آزاد با تعقل در جریان آن به ظهور بیاید و هر دو طرف به حکم عقل و منطق به استنتاج برسیم .

اما اگر کسی بی حیانی کند و با پناه بردن به زیر چادری گک و القابک و نامک مستعار مثل "انجنیر عظیم " با سرخمی مکارانه بیشرافتی نماید و در مقابل من شبنامه موقتی پخش کند ، در آن صورت من به مستعار نویس فرومایه کاری ندارم ، چون مستعار نویس بی شخصیت را همان شکنجه ای که خودش بر خود تحمیل کرده تا آخر عمرش کفایت می کند به این معنی که وقتی یک ناانسان بی شخصیت و بی شرافت خودش از گفتن نام و هویت خود خجالت کشیده و خود را درکنج تاریک بدست خود زجر بدهد و خود را جبوناته در پشت شیشه گک کمپیوتر مخفی کند ، دیگر من اورا چه شکنجه اضافی بدهم ؟

قسمی که فوقاً گفتم من با مستعار نویس کار ندارم ، کار من با مس و ولین و مدیران بی کفایت ، جنگ انداز ، شرافکن و مداری مشربان سایت های بی وجدان و بی شرافت است که آبروی خود را در چنگال مستعار نویسان داده و با منتشر ساختن شبنامه های موقتی مستعار نویسان بی حیا با آنها یکجا به نفاق و شقاق دا من می زنند و فضای بی اعتمادی را ترویج می نمایند . به تکرار بلند می گویم که کار من با همین گروه مس و ولین بی کفایت و بی شرافت سایت هاست و باید بدانند که از دست من خلاصی ندارند . مستعار نویس اگر سرش به آسمان هم بخورد ، پیش خواننده سینه ندارد زیرا که قصه بی شخصیت همیشه مفت است .

وقتی که امروز دیدم نوشته من از سایت آسمایی برون کشیده شده بود ، با آقای حمید عبیدی مس و ول سایت آسمایی تلفونی در تماس شدم و موضوع را گفتم . آقای عبیدی بلافاصله بمن گفت که "انجنیر صاحب عظیم رامن خوب می شناسم که یک نویسنده برجسته است و از جمله دوستان نزدیک من و همچنان عضو حزب دموکراتیک خلق افغانستان است که در آلمان زنده گی میکند . مطمئن باش که او بشما مخالف نیست اما با داکتر سیاه سنگ مخالفت جدی دارد . چون رفقا و دوستان بر من فشار آوردند ، من چاره دیگر نداشتم و مجبوراً آن را برای مدت پنج شش ساعت به نشر رساندم . بعد که عکس العمل های خطرناک مردم را دیدم به خواهش دوستان هردو نوشته را از سایت بیرون کشیدم ."

من با گفته های آقای عبیدی زیاد تر از قبل حیران شدم که چطور حاضر است چهره اصلی انجنیر عظیم بی وجدان را بشیوه خاله گکائی دودسته در زیر چادری قایم گرفته مخفی می نماید اما محل اقامتش و موضوع مخالفت جدی اش را در مقابل داکتر سیاه سنگ و موضوع عضویتش را در حزب خلق و موضوع رفاقت و روابط حسنه خود را با اوبی پرده افشاء می کند ؟ این چه قسم دوستی و تعهد رفاقت و حزبیست است ؟ این چه قسم رازداری است ؟ این چه قسم ادب فرهنگی و معیار مطبوعاتی و اخلاق سیسی است که نام رفیق حزبی خود را مخفی ساخته و در زیر چادری اسم مستعار برایش خسپوشک می سازد اما حزبش را مخفی نمی کند و بعد از سنگر پرترس و لرز واز تاریکی بر سر من فیرمی کند در حالی که من بنام اصلی خود و عکس اصلی خود مفکوره خود را علنی داشتم ؟ این چه نوع تعهد در دوستی و رفاقت است که آقای عبیدی در آخر می گوید که "من آن شخص متعرض بر شما را می شناسم که یک نویسنده برجسته است و از جمله دوستان نزدیک من و همچنان عضو حزب دموکراتیک خلق افغانستان است که در آلمان زندگی میکند . مطمئن باش که او بشما مخالف نیست اما با داکتر سیاه سنگ مخالفت جدی دارد . " ؟ من به قضیه مخالفت انجنیر عظیم علیه داکتر سیاه سنگ غرضدار نیستم چون این موضوع مربوط من نمی شود ، اما آقای عبیدی شما را به مقدسات خود تان سوگند می دهم که در این جواب شما کدام شیوه مردانگی و آدمگری دیده می شود ؟ آیا خود تان می فهمید که چه می فرمایید ؟ و حال چند سوال مختصر از شما خوانندگان محترم سایت های اینترنتی !

آیا آقای عبیدی واقعاً هیچ نمی داند که اجازه نشر دادن برای یک نوشته بنام مستعار در مقابل نوشته ای که نویسنده اش بنام اصلی وارد صحنه شده است ، آخرین درجه دون همتی و نفاق افکنی در بین نویسندگان است ؟

آیا آقای عبیدی هیچ نمی فهمد که هویت یک مستعار نویس بی شخصیت را با تلاش مذبحانه پیش خود مخفی کردن اما از نوشته اش من حیث سنگر تاریکی بر ضد نام ها و شخصیت های حقیقی استفاده کردن خودش بزرگترین مایه خفت و ذلت است و خیانت در دوستی و رفاقت است ؟

آیا آقای عبیدی هیچ درک کرده نمی تواند که با انکارکردن از نام اصلی این مستعارنویس بی شخصیت اما با افشای عضویتش در حزب دموکراتیک خلق افغانستان بزرگترین صدمه را به اعتماد و راه و مرام حزب خود وارد آورده است؟ آیا رفقای همفکر و هم مسلک و هم عقیده آقای عبیدی از او پرسان نخواهد نمودند که رفیق انقلابی! این چه نوع سیاست ابرچونیستی است که توپازی می کنی؟ نام خاین را افشا نمی نمائی اما مرداری خاین را به روی تمام اعضای حزب ما می چسبانی؟ اگر مسؤولیت واقعاً فردی نیست چرا نام این خاین بزدل و جبون چادری پوش را افشا نمی سازی تا جرمش بشخص خودش عاید شود نه به حزب اش؟

آیا آقای عبیدی نمی داند که موسی عثمان هستی به تمام احزاب چپ و راست بی وجدان و بی شرف و بی خاصی ت گفته بود که: دهن سگان مستعارنویس خود را به طرف من باز نکنید که من چلو صاف شما، چلو صاف نیاکان و چلو صاف رهبران لنگ و لاش احزاب خود فروخته تان را از گور بیرون می کشم؟

من از چه بدانم که اصولاً شخصی بنام انجنیر عظیم وجود دارد تمام این غزعلت محصول نغز سفلیسی شخص آقای عبیدی نیست؟

اگر آقای عبیدی این چیزها را نمی فهمد، س و آل مهم این است که پس آقای عبیدی پس از اینقدر زندگی و مهاجرت و سیاست و سایت سازی و مصاحبه گری و ژورنالیزم و تبصره نویسی و غیره چه چیز را می فهمد؟

دراختتام این آگهی من از آقای عبیدی صمیمانه و احترامانه خواهش می نمایم که هرچه عاجل تر هم نوشته مرا دوباره در سایت آسمانی در همان جای سابقه اش قرار بدهد و هم آن نوشته دیگر را که برضد من منتشر شده بود در سایت آسمانی در جای سابقه اش قرار بدهد فقط بیک شرط که این باریعوض نام مستعار "انجنیر عظیم" چادری پوش اسم حقیقی این بی شخصیت را نوشته کند تا حد اقل آن انجنیر عظیم مظلوم از زیر شکنجه خود خلاصی حاصل کند! اما اگر آقای عبیدی به خواهش من لبیک نگویید در آن صورت لطفاً جمله سرخ رنگ ذیل را دوبار بخواند: **مدیر سایت آسمایی که زمانی خود از همکاران حزب دموکراتیک خلق بود و امروز می خواهد با یک تیر دو فاخته را شکار کند یعنی هم مرا توسط نویسنده گک برجسته اش زیر ضرب بگیرد و هم حزب خلق را بخاطر عقده های ناکام خود زیر ضرب بگیرد از دست من خلاصی ندارد.**

با احترام سید موسی عثمان هستی مارک تو این افغان مشهور به پدر طنز معاصر افغانستان مدیر مسؤول ماهنامه طنزی و انتقادی بینام در تورنتوی کانادا

15.05.2009

یادداشت مدیر مسوول آسمایی

در مورد حذف دو مطلب

برای پیروی تخطی ناپذیر از مشی و روحیه نشراتی آسمایی، طنز « و آنها در جستجوی استخون بودند...» و طنز « در باره بریدن گوش و بینی و دم حریفان»، از فهرست نشرات آسمایی بیرون ساخته شد.

اینجانب به حیث مدیر مسوول آسمایی مسوولیت اشتباه نشر این دو مطلب و نیز مسوولیت حذف آن ها را از نشرات آسمایی بر عهده گرفته و از نویسنده گان محترم این دو طنز به خاطر این اقدام معذرت می خواهم. باور دارم هر دو نویسنده محترم با توجه به این که به ویژه با «**ناگفته های سیاه سنگ**»، باروری سلسله «**از این زاویه**» بیشتر متباز گردیده است، روادار خواهند بود تا این روند سازنده و امیدبخش مخدوش گردد و به همین جهت نیز امیدوارم تا آنان با اقدام یاد شده با روحیه تفاهم برخورد نموده و ممنون سازند.

در صحبت تلفونی جناب قاضی سید موسی عثمان هستی تاکید ورزیدند که مسوولین آسمایی متوجه نگردیده اند که در طنز «**در باره بریدن گوش و بینی و دم حریفان**» برخی نکات اهانت آمیز وجود دارند؛ ما از جناب ایشان که با بزرگواری عرض معذرت ما را از این بابت قبول فرمودند، ابراز امتنان می نمائیم. همچنان

در اولین فرصت از نویسنده طنز « در باره بریدن گوش و بینی و دم حریفان » نیز تلفونی به خاطر حذف نوشته ایشان معذرت خواسته خواهد شد.

برای عدم تکرار موارد مشابه در آینده، بار دیگر خاطر نشان می سازیم که آسمایی مطالبی را که با زبان درشت و پرخاشجویانه نوشته شده باشند و نیز مطالبی را که با نام مستعار نوشته شده باشند، منتشر نمی سازد. به باور ما کار برد نام مستعار تنها و تنها در مواردی موجه است که نویسنده واقعاً در شرایطی باشد که نشر مطلب با نام اصلی زنده گی وی را با مخاطره مواجه سازد. در این صورت نیز ما باید شهرت اصلی نویسنده را بدانیم و چنان که تا کنون بوده است، شهرت اصلی نویسندهء همچو مطالبی نزد آسمایی محفوظ خواهد ماند.

حمید عبیدی

مدیر مسوول آسمایی

یادداشت:

از آنجائیکه ما از کم و کیف اصل قضیه اطلاع نداریم لذا برای ما دشوار است تا در زمینه ابراز نظر نمائیم، مگر با آنهم یک نکته را نمی توان نا دیده گرفت که فرمایشات جناب "هستی" در مورد آن عده از عناصر فاقد شخصیت و شرافت که از زیر چادر "بی بی" بر شخصیت های حقیقی می تازند مورد تائید ما قرار داشته ما نیز با ایشان هم عقیده هستیم که به خاطر سرجا نشان دادن همچو افراد پست فطرتی باید آن مقاله را از ناشر مقاله دانسته با تمام قوا به دهن ناشر کوبید.

از طرف پورتال AA-AA